

ارائه می‌کنند اما محدودیت داخلی ادامه دارد و این بر تعهد ایران به اصلاح واقعی تردید می‌افکند؛ با این حال، اولویت سیاست خارجی به نظر واضح می‌آید: تضمین گره‌گشایی اقتصادی از طریق تعامل، به‌خصوص با ایالات متحده، و همزمان مهار ناآرامی داخلی.

▼ بهبود روابط ایران و عربستان

مدیریت خطر به جای ثبات در منطقه

بهبود روابط ایران و عربستان سعودی در سال ۲۰۲۳ با وساطت چین واقع شد. این حرکت، نمود حرکتی تاکتیکی به‌سوی کاهش تنش است، اما ثبات بلندمدت در خلیج [فارس] هنوز مورد تردید است. برقراری ارتباط اخیر از سوی عربستان سعودی، شامل سفر خالد بن سلمان، وزیر دفاع، به تهران در آوریل ۲۰۲۵، نشانه میل ریاض است، به حفاظت از خودش در مقابل تبعات بالقوه درگیری بین ایران و ایالات متحده.
سعودی‌ها مستقیم با مقامات نظامی ایران، مشخصاً سپاه، تعامل کرده‌اند. با این کار، آن‌ها به دنبال تضمین هستند و نیز به دنبال انترگذاری بر موضع منطقه‌ای تهران، موضعی که به باور آن‌ها، بیشتر نظامیان به آن شکل می‌دهند تا دیپلمات‌ها.

این رویکرد، حاکی از راهبرد عملگراییانه‌ای در میان سعودی‌هاست و هدفش بیش از آنکه تجدید آرایشی ماندگار باشد، پرهیز از گرفتاری در میان جنگ‌های منطقه است. برخی در تهران گمان می‌کنند هماهنگی ایالات متحده پشت صحنه ماجراست، در تلاشی برای احیای راهبرد «دو ستونی»: مهار مشترک منطقه توسط ایران و عربستان سعودی. این دیدگاه احتمالاً اهداف راهبردی واشنگتن را در مقطع کنونی، زبانی منسجم تصور می‌کند. واقع‌بینانه این است که عربستان سعودی دارد از روابط بهتر با ایران به عنوان اهرم تعادلی در مقابل فشار آمریکا و اسرائیل استفاده می‌کند، به‌خصوص در عادی‌سازی روابط با اسرائیل. روابط ایران و عربستان سعودی الان در بهترین وضعیت دودمه گذشته است، اما این تنش‌زدایی بیشتر ابزاری برای مدیریت متقابل خطر با ایران است تا اساسی برای ثبات ماندگار. رقابت‌های ساختاری و فشارهای خارجی همچنان برقرارند. این مسئله صلح پایدار را شکننده می‌کند و وابسته به تحولات گسترده‌تر منطقه‌ای.

▼ چرخش راهبردی به شرق

محدودیت‌های روابط ایران با روسیه و چین

روابط روبه‌رشد ایران با روسیه و چین در حال تغییر شکل سیاست خارجی اش است؛ عمدتاً به عنوان راهبردی برای مقابله با تحریم‌های ایالات متحده؛ اما همچنان محدودیت‌هایی جدی در کار هستند. ایران به دنبال این است که شرکات‌هایش را به اهرمی برای مقاومت در مقابل فشار ایالات متحده تبدیل کند، با چارچوب‌هایی مثل سازمان ۱۰ کشوری بریکس که روسیه کاندید زده بود و سازمان همکاری‌های شانگهای تحت تسلط چین. توافقی تجارت آزاد با روسیه هم هست که انتظار می‌رود تجارت دوجانبه را تقویت کند؛ اما بخش عمده رشد اخیر در تجارت روسیه و ایران را نه هم‌سویی عمیق راهبردی که وقایع بیرونی پیش برده‌اند، مثل حمله تمام‌عیار روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ و تحریم‌های متعاقبش که غرب تحمیل کرد، در مسائل منطقه‌ای، ایران و روسیه همگرایی کاملی ندارند، به‌خصوص درباره اسرائیل و آینده سیاسی روسیه پس از اسد. تهران به تعهد مسکو نسبت به اهداف مشترک بدبین است و اعلام در مناطق درگیری مثل جنوب قفقاز، چندان اقدام هماهنگ

در کار نیست. رهبر معظم، [آیت‌الله] علی خامنه‌ای، همچنان روی روابط بلندمدت باولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه سرمایه‌گذاری می‌کند، اما اتکای ایران به روسیه، بیش از آنکه راهبردی باشد، تاکتیکی است. ایران از این شرکات‌ها برای حفظ اهرم‌هایش، حین گفت‌وگو و محتاطانه با ایالات متحده استفاده می‌کند؛ با این حال، بی‌اعتمادی به روسیه، هم در حلقه‌های قدرت در ایران و هم در غرب، باقی است. در نهایت، چرخش ایران به سمت شرق، بازتابی از الزامات است و نه تغییری عمیق. موضع راهبردی ایران همچنان سیال است و پیوه‌شناسی‌های متغیر جهانی و منطقه‌ای به آن شکل می‌دهند.

▼ فشارهای داخلی

پیش‌ران تغییر جهت‌ها در سیاست خارجی

ناآرامی سیاست‌داخلی ایران و گرفتاری‌های اقتصادی اش، اثری جدی روی سیاست خارجی این کشور گذاشته است و تهران را به سمت موضعی برده که عملگرایی‌تر باشد و صلیبی ایدئولوژیک کمتری داشته‌باشد. درمواجهه با نارضایتی‌های عمومی از سوم‌مدیریت اقتصادی و انزوای بین‌المللی، مقامات ایران در حال ارزیابی دوباره سیاست‌های تقابلی هستند. تضاد عمیق با دولت‌های حاشیه خلیج [فارس] از رانه‌های کلیدی این تغییر بوده است، به‌خصوص با عربستان سعودی که از سیاست‌های مذهب‌محور به راهبردهای روی‌گر داند، به تمرکز بر تجارت و با یکپارچگی در عرصه جهانی. این دولت‌ها با قدرت‌های جهانی هماهنگ شده‌اند و به دیپلماسی اقتصادی اولویت داده‌اند و با ایین کار در عرصه نفوذ منطقه‌ای از ایران پیشی گرفته‌اند.

کارشناسان ایرانی، روزبه‌روز بیشتر از این می‌گویند که پایبندی ایران به مواضع ایدئولوژیک، کشور را منزوی کرده است، درحالی‌که رقبای عرب در جایگاه مراکز اقتصادی در حال شکوفایی‌اند. فشار اعتراضات داخلی و مشتقته‌های اقتصادی، در حال شکل‌دهی به اجماعی فزاینده هستند، بر سر اینکه ایران باید دسته‌بندی‌های ساده‌انگارانه شرق-غرب را کنار بگذارد و دیپلماسی انعطاف‌پذیر و مبتنی بر تجارت را جایگزین کند.

تحول عربستان سعودی، تأثیر ویژه‌ای در شکل‌دهی به این بحث دارد. این تحول به ایران نشان می‌دهد که بقادر دنیایی جهانی شده، نیازمند انطباق‌پذیری است، نه صلیبی ایدئولوژیک. تعامل ایران با دولت ترامپ، بازتاب این تغییر درونی است: پیگیری گره‌گشایی اقتصادی و ادغام دوباره در جهان برای تثبیت وضعیت داخلی. امید این است که نه‌شعار، بلکه عملگرایی، موضع منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را به او برگرداند.

▼ جنگ نیابتی تحت فشار

حرکت تاکتیکی به‌سوی برقراری دوباره تعادل

راهبرد منطقه‌ای ایران، حمایت از گروه‌های نیابتی مثل حزب‌الله، حماس و حوثی‌ها، با چالش‌های فزاینده‌ای در پایداری اش مواجه است، به خاطر پیوه‌شناسی در حال تغییر و فشار فزاینده ایالات متحده. گزارش‌های اخیر حاکی است، تهران در حال بازنگری در حمایت از حوثی‌هاست. ادعاهایی درباره خروج نیروهای ایران از یمن جهت پرهیز از تقابل مستقیم با ایالات متحده مطرح شده. این تنظیم مجدد نشان می‌دهد، ایران نیاز فوری دارد، در میانه حملات تشدیدشده ایالات متحده و حضور نظامی روزافزون آمریکادر دریای سرخ و اقیانوس هند، امنیت خودش را در اولویت قرار دهد.

پیام ایران به حوثی‌ها و شبه‌نظامیان عراقی برای خویشتن‌داری،

نشانه چرخشی راهبردی است. به نظر می‌رسد تهران، به جای تشدید تنش از طریق نیابتی‌ها، بر مدیریت تنش‌ها تمرکز دارد و بر پرهیز از اینکه زمینه‌ای برای حمله مستقیم به ترامپ بدهد. طبق گزارش‌ها، حوثی‌ها هم که حالا دوباره از سوی واشنگتن، سازمان تروریستی نام گرفته‌اند، فعالیت خود را کاهش داده‌اند و این علامت میل ایران به کاهش فشار بین‌المللی است و احتمالاً معرفی خود به عنوان میانجی؛ به علاوه، ایران از حضور بیشتر قدرت‌ها مثل روسیه و چین، در پیوه‌شناسی درگیری‌های نیابتی آگاه است و این وضعیت نفوذ ایران را پیچیده‌تر می‌کند. روسیه متهم شده است که به حوثی‌ها اطلاعات و تسلیحات می‌دهد. این اتهام‌زنی مشخص می‌کند که این گروه‌ها دیگر صرفاً تحت امر ایران فعالیت نمی‌کنند و این کنترل تهران بر آن‌ها را ضعیف می‌کند. این تغییر لزوماً علامت رهاکردن کامل جنگ نیابتی نیست، بلکه نشانه تنظیم تعادل دوباره‌ای عملگراییانه است. ایران به دنبال پرهیز از تشدید پرهزینه تنش‌هاست و در عین حال، به دنبال حفظ نفوذ منطقه‌ای اش. راهبرد نیابتی‌اش که زمانی مرکزیت داشت، حالا در مواجهه با تهدیدات ایالات متحده و تغییرات در منطقه، در رقابت با رویکردی محتاطانه‌تر و متمرکز بر بقا قرار گرفته است؛ از این رو، حمایت ایران از بازیگران ثبات‌زدا، دیگر تعهدی همه‌شمول نیست، بلکه گزینشی‌تر و تاکتیکی‌تر است. این نشانه سوالات روزافزون در باره پایداری این راهبرد است.

▼ سیاست خارجی ایران بر سر دوراهی

چالش‌ها و فرصت‌ها

در پنج سال آینده، سیاست خارجی ایران با دو چالش مواجه خواهد شد که به هم پیوسته‌اند: دوام آوردن در مقابل رکود اقتصادی و عقب‌رانندن سلطه ایدئولوژی‌های تندرو. منتقدان داخل ایران می‌گویند، تحلیلگران تندرو سیاست خارجی، بدون تجربه جهانی و درک طرف‌ها، کشور را به انزوای راهبردی کشانده‌اند. اتکای آن‌ها بر لفاظی‌ها و شعارهای ضدغرب، ایران را در نظام بین‌الملل بیگانه کرده است، به‌خصوص در شرایطی که رقبای حاشیه خلیج فارس، مثل عربستان سعودی، با دیپلماسی عملگراییانه و متکی بر تجارت، جهشی روبه‌جلو داشته‌اند.

به لحاظ اقتصادی، ایران در تقلا۱ ضعیف‌ترین موضوعش پس از جنگ ایران و عراق است. نظام‌های مالی ناکام، بحران‌های محیط زیستی و بی‌اعتمادی فراگیر عمومی نیز همزمان بر سر کشور ریخته‌اند. این ظرفیت تهران را برای استفاده از اهرم سیاست خارجی جهت احیای اقتصادی، به‌شدت محدود می‌کند. بدون اصلاح، سیستم سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی لازم را ندارد که بتواند پروژه‌های اقتصاد گسترده و بزرگ را پیش ببر، در حالی‌که گروه‌های ذی‌نفعی که ریشه دوانده‌اند، در مقابل تغییراتی که ممکن است به سود جمعیتی فراتر باشد، مقاومت می‌کنند.

با این حال، همچنان فرصت‌هایی موجود است: تعامل با ایالات متحده برای توافق هسته‌ای بالقوه، ممکن است رفع تحریم‌ها را به ارمغان بیاورد و راه‌هایی برای رشد اقتصادی باز کند، البته اگر عملگراییان دوباره نفوذ خود را باز یابند. میانه‌روها، این را پذیرفته‌اند که گرفتاری‌های اقتصادی ایران، به سیاست خارجی تقابلی اش گره خورده است و فشار می‌آورند که اوضاع به سمت دیپلماسی و ادغام در جهان تغییر کند. در نهایت، بزرگترین فرصت ایران در رهاکردن صلیبی ایدئولوژیک و استقبال از عملگرایی اقتصادی نهفته است، اما این بستگی به غلبه بر سلطه ریشه‌دار تندروها دارد.

ترجمه: روح‌اله نخعی

نتیجه‌ای که بیشترین احتمال را برای بازگرداندن ثبات به خاورمیانه دارد، « رفتار بی‌رحمانه اسرائیل با فلسطینی‌هایی که در کنترلش هستند و با اعراب در نقاط دیگر، نشانه ترکیب خطرناکی از جاه‌طلبی‌های افراطی و قدرت است: » انحصار هسته‌ای اسرائیل در منطقه که در چهار دهه گذشته بسیار پایدار از کار برآمده است، مدت‌هاست که عامل بی‌ثباتی در منطقه بوده است. هیچ منطقه دیگر جهان نیست که در آن یک دولت هسته‌ای تنها وبدون مهار وجود داشته باشد. این توطیه‌انه هسته‌ای اسرائیل است که بیشترین سهم را در بحران فعلی داشته و نه میل ایران به چنین توطیه‌ان‌ای. به هر حال قدرت، نیاز به تعادل دارد. « بهترین وضعیت، موافق ایران با رهاکردن تسلیحات هسته‌ای خواهد بود که با خودداری نظامی متناظر از سوی اسرائیل و آمریکا ممکن شده باشد.

چهارم اینکه پتانسیل تهدید آمریکا در خاورمیانه و خلیج فارس کمتر از همیشه است. این منطقه هیچ وقت دغدغه حیاتی آمریکا نبوده است. دوره جنگ سرد، ترس از تلاش شوروی برای قطع مسیر نفت به آمریکا و اروپا وجود داشت. حالا، ضعف نظامی روسیه، وابستگی چین به انرژی وارداتی، تنوع بیشتر بازار بین‌المللی و تولید بیشتر انرژی در آمریکا، مدام تهدید و اهمیت نفت خاورمیانه را کاهش داده است. ترس دوم برای بقای اسرائیل بود اما بزرگترین تهدید برای اسرائیل امروز، داخلی است: اینکه اسرائیل هم دموکراتیک بماند و هم یهودی، روزبه‌روز غیرممکن‌تر می‌شود. در هر حال، میل بی‌پروا به بنزین ارزان و تلفیق عجیب اسرائیل انجیلی با اسرائیل کنونی، به هیچ‌وجه توجیه این نیست که ایالات متحده به جنگ برود. چنان که بیشتر اشاره شد، در ربع قرن گذشته، سیاست‌گذاران واشنگتن، بی‌پندوبارانه جان و مال آمریکایی‌ها را در درگیری‌های غیرمسئولانه در خاورمیانه فدا کرده‌اند. اضافه کردن ایران به فهرست اهداف ناحق آمریکا، جنایت خواهد بود.

ترامپ حتماً می‌فهمد که نباید راه بیفتد و به ایران شلیک کند. کارزار او [برای ریاست جمهوری] علیه جنگ‌های ابدی بود. او از حمله مجرمانه جورج دبلیو بوش به عراق انتقاد کرد. در سال ۲۰۱۹، وقتی ایران یک پهپاد آمریکایی را سرنگون کرد و به تأسیسات هسته‌ای سعودی حمله کرد، ترامپ حاضر نشد تلافی کند. هیچ کدام از این‌ها توجیهی برای جنگ نمی‌شدند. ایران هم دیلیسی برای درگیری با ایران نیست. وقتی حتی ریاض از ایالات متحده و اسرائیل می‌خواهد که خاورمیانه را آتش‌نزنند، رئیس‌جمهور باید صلح را حفظ کند.

دیپلمات‌ها



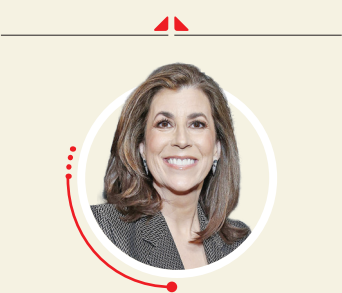
آمادگی برای همکاری در تحقیقات بریتانیا

سیدعباس عراقچی، در توییت‌ر نوشت: دستگیری تعدادی شهروند ایرانی توسط سرویس‌های امنیتی بریتانیا باعث نگرانی بسیار است. وی افزود: در صورتی که به صورت معتبر تخلف آنها اثبات شود، ایران آماده است تا به روند تحقیقات کمک کند. وزیر امور خارجه تأکید کرد: ما از بریتانیا می‌خواهیم که به حقوق شهروندان ما احترام بگذارد و روند دادرسی عادلانه را برای آنها فراهم آورد. معاون وزیر کشور انگلیس طی سخنانی در مجلس عوام، با اشاره به بازداشت چند تبعه ایرانی در عملیات اخیر صندتروریسم، بار دیگر اتهاماتی را درباره آنچه تهدید امنیتی ایران نامید مطرح کرد و مدعی شد که تهران در سال‌های اخیر پشت چندین «توطئه خطرناک» در خاک انگلیس قرار داشته است. دن جابویس در جلسه پارلمان گفت عملیات بازداشت روز سوم مه، ۱۳ اردیبهشت، شامل دو پرونده مجزا با ۸ بازداشتی در نقاط مختلف کشور بوده و آن را از «بزرگ‌ترین اقدامات صندتروریستی سال‌های اخیر» توصیف کرد. وی مدعی شد ۵ تبعه ایرانی به ظن «تدارک عملیات تروریستی» و ۲ نفر دیگر به اتهام فعالیت تحت «قانون امنیت ملی» بازداشت شده‌اند.



هند و پاکستان خویشان داری کنند

سخنگوی وزارت امور خارجه با ابراز نگرانی شدید نسبت به تشدید تنش‌ها بین هند و پاکستان، هر دو طرف را به خویشتنداری فرا خواند. اسماعیل بقایی، با اشاره به موضوع اصولی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ضرورت احترام به حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی کشورها، و پرهیز از توسل به زور در روابط بین‌الدولی، تشدید تنش و درگیری بین دو کشور بزرگ پاکستان و هند که هر دوی آنها دارای علقه‌ها و پیوندهای دوستی دیرینه با ایران هستند را مایه نگرانی جدی خواند و ابراز امیدواری کرد طرفین با توسل به خویشتنداری در مسیر کاهش تنش و جلوگیری از تشدید اوضاع گام برداشته و مانع از سوءاستفاده طرف‌های ثالث به‌ویژه « رژیم صهیونیستی» از این وضعیت شوند. از سوی دیگر، وزارت خارجه هند نیز از سفر سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه ایران به هند، آخر همین هفته خبر داد. ایران نیز اعلام کرده عراقچی پیش از سفر به هند، در اسلام‌آباد توقف و با مقامات پاکستان دیدار و گفت‌وگو خواهد کرد.



آتش بس یمن ربطی به گفت‌وگو با ایران ندارد

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا هرگونه ارتباط میان آتش بس واشنگتن با ارتش یمن و گفت‌وگوهای دیپلماتیک با ایران را رد و تأکید کرد که «اتفاقات صرفاً به صورت همزمان رخ می‌دهند». تمی بروس، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در این باره گفت: ما در حال حاضر نتایج چیزهایی را شاهد هستیم که هفته‌ها و ماه‌ها روی آن‌ها کار شده و اکنون در حال به ثمر رسیدن هستند. بروس ادامه داد: بنابراین، به نظر من باید در این مورد محتاط بود. ما به دنبال پیشبرد مسائلی هستیم که مهم‌اند و مدت زیادی است که در حال انجام هستند و به یک تحول خاصی یا یک موضوع خاص مرتبط نیستند. وقتی در یک منطقه واحد، چندین مسئله در حال وقوع، چندین مذاکره، چندین تلاش برای آتش بس دارید، اتفاقاتی به‌طور همزمان رخ خواهد داد. در واقع، اتفاقات به‌طور ناگزیر همزمان رخ می‌دهند.